



ضروری است، شکلی از تراژدی است. نوعی که ما را تکان بدهد، هوشیار کند و پرسش‌هایی در ما برانگیزد. احساس کردم با این شکل، فیلم محل تأمل بیشتری برای بیننده دارد.

فیلمبرداری امین جعفری یکی از امتیازهای فیلم است، نماهای لانگ شات که از شهر گرفته و مثل موتیف تکرار شده تأکیدی است بر زمان و مکان وقوع قصه. فیلمبرداری بدون اینکه جلوه گرایانه باشد متناسب با فضای قصه است.

من با امین جعفری در «قاعده تصادف» همکاری کرده بودم و این فیلم برای هر دو ما نتیجه بلوغ و پختگی است. نکته مهم این است که فیلمبردار باید بداند حال و هوای کلی فیلم چطور است و در درآوردن آن حس و حال و افزودن چیزی به آن مؤثر است. اینجا، امین جعفری به شکلی درجه یک این همکاری را با من داشت.

موسیقی فیلم، با اینکه زیاد نیست اما خیلی بجا و درست استفاده شده. آهنگساز این فیلم ما من در مرحله نوشتن فیلمنامه همراه بود. داستان و فضای فیلم را می‌شناخت و موسیقی اگر اعتباری دارد به او برمی‌گردد که درک درستی از فیلم داشت. آنچه از موسیقی در ذهن داشتم، محقق شده است.

در سینمای شما، یک ویژگی کمیاب وجود دارد. زنان در فیلم‌هایتان جایگاه خاصی دارند. نه به این معنا که زن‌ها را تحت ظلم مردان نشان بدهید و برایشان سوگواری کنید. زنان فیلم‌هایتان کاملاً واقعی و درست طراحی شده‌اند. شهرزاد در «تنهادوبار زندگی می‌کنیم» سمبل عشق و زندگی برای مردی است که به آخر خط رسیده. در «وارونگی» هم ما با زنی شهری و مستقل مواجهیم که خانواده‌آور از حقوق ساده و مسلمش محروم می‌کند. در سینما معمولاً وقتی از مسائل زنان حرف می‌زنیم، هنوز نگاهمان خیلی بدوی و کلیشهای است. در حالی که از آن شرایط فاصله گرفته ایم و الان نیازمند یک نگاه تازه به دنیای زنان هستیم.

فیلم‌های شما بدون حاشیه و سر و صدا، تصویری از زنان امروز جامعه و مسائل‌شان مطرح می‌کنند.

من اصولاً اهل هیاهو نیستم. «وارونگی» وقتی در جشنواره نمایش داده شد، جشنواره به سادگی از کنار آن عبور کرد.

البته طبیعی است که جشنواره فیلم فجر به چنین فیلمی توجه نکند اما کمی عجیب است که منتقدان و نویسندگان سینمایی ساده از کنار فیلم گذشتند.

جشنواره با خودش هژمونی می‌آورد که همه را با خود می‌برد، بعد از جشنواره و در اکران عمومی، افراد بسیاری به من گفتند ما «وارونگی» را زمان جشنواره درست ندیدیم. من فکر می‌کنم این بخشی از فضایی است که من در آن کار می‌کنم. یعنی در یک قیاس دور ترجیح می‌دهم فیلمم شبیه کتاب باشد، نه یک روزنامه که جذاب باشد، همان روز خوانده و فردا فراموش شود. در زیست خودم این طور هستم و در فیلم‌هایم همین دیدگاه را دنبال می‌کنم. همیشه برایم به طور کلی مسائل انسان‌ها و به شکل جزئی‌تر مسأله زنان مهم است. زن‌ها نیمی از جامعه و در اطراف ما هستند، نمی‌شود صحبت از انسان و جامعه کرد و موقعیت و جایگاه زنان را در این شرایط در نظر نگرفت. از هر سو که نگاه کنیم شرایط زنان پیچیده‌تر و دراماتیک‌تر از مردان است. من بدون اینکه خیلی به خودم سفارش بدهم معمولاً در همین چارچوبی که کار می‌کنم نقش زنان را پررنگ و برجسته می‌بینم.

ستاره پسیانی و الناز شاکر دوست دوبازیگری هستند که نقش‌های مهمی را در فیلم بازی کرده‌اند. ستاره در «وارونگی» یکی از نقش‌های مکمل را بازی کرده بود. او بازیگر بسیار توانایی است و در تئاتر، کارنامه‌ای متنوع و جذاب دارد. همکاری در «وارونگی» باعث شد او را برای «من می‌ترسم» انتخاب کنید؟ حضورش یکی از امتیازهای فیلم است.

من ستاره را از سال‌ها قبل از تئاترهایش می‌شناختم و تجربه همکاری در «وارونگی» به من قول‌اند که او بازیگر بسیار مستعدی است که کمتر دیده شده، به همین دلیل این بازیکی از نقش‌های اصلی را به او دادم. فکر می‌کنم بازی ستاره در این فیلم، به شکل برجسته‌ای به چشم بیاید.

الناز شاکر دوست بعد از «خفه‌گی» و «شبی که ماه کامل شد» تلاش کرده طبقه بازیگری‌اش را تغییر بدهد. بازی در «من می‌ترسم» هم ادامه منطقی همین مسیر است، حتی می‌شود گفت اینجابه پختگی رسیده. زمانی که پیشنهاد بازی در فیلم به الناز شاکر دوست دادم، ایران نبود. در اولین فرصت برگشت و به گروه ما ملحق شد. نکته مهمی که درباره شاکر دوست وجود دارد این است که انگیزه بالایی دارد تا جنس فیلم‌هایی را که در آنها بازی می‌کرده تغییر بدهد. پیشتر هم بازیگرانی داشتیم که این کار را کرده و موفق بوده‌اند. امیدوارم برای الناز شاکر دوست هم اتفاق‌های خوبی بیفتد و بتواند این مسیر را ادامه بدهد.

فکر می‌کنم برای یافتن بازیگر مناسب نباید زیاد تلاش کنید. بازیگرها احتمالاً دوست دارند در فیلم‌های شما بازی کنند.

همان قدر که انسان‌های مختلف و متنوع داریم، بازیگرها هم از این قاعده‌مستثنی نیستند.

سینمای شما، واقع‌گرا و بازی‌ها کاملاً شبیه زندگی و بدون تصنع است. وقتی بازیگرهایی از طیف‌های مختلف توانایی دارید، هم‌سان‌سازی بازی آنها کار سختی است. این اتفاق در مرحله دورخوانی و تمرین رخ می‌دهد؟ تمرین ویژه‌ای دارید؟

انرژی زیادی برای کار با بازیگر دارم (می‌خندد). قبل از فیلمبرداری با بازیگرها ساعت‌ها تمرین فردی داریم. سر صحنه هم درباره جزئی‌ترین اتفاق‌ها با هم صحبت می‌کنیم. فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین و دشوارترین کارهایی که یک کارگردان موقع فیلمبرداری انجام می‌دهد، یک‌دست و نزدیک‌تر کردن بازی‌هاست. بویژه بازیگران ما که از مسیرهای مختلف و دور از هم به یک نقطه رسیده‌اند. البته در این مسیر قابلیت و انعطاف بازیگر خیلی مهم است. بعضی‌ها خیلی سریع با آن جنس از بازی که مدنظر من است، نزدیک و هماهنگ می‌شوند و بعضی بیشتر زمان نیاز دارند تا با این مسیر، همراه شوند.

پروسه‌تولید این فیلم چقدر طول کشید؟ فیلم به صورت سکانش – پلان گرفته شده و فیلمبرداری در این فضا، ساده نیست.

ما حدود دو ماه صرف پیش‌تولید و تمرین کردیم. فیلم ساختار خاصی دارد و نیاز داشتیم تمرین کافی داشته باشیم، خوشبختانه در این فیلم،

یک گروه درجه یک و خوب داشتیم که با وجود شرایط سخت تولید، همراهی و همکاری‌شان به فیلم کمک کرد و از شانس‌های حرفه‌ای من بودند.

شما از کشف‌های جشنواره فیلم فجر هستید. زمانی که «تنهادوبار زندگی می‌کنیم» در بیست و ششمین جشنواره روی پرده رفت، حال و هوای جشنواره را عوض کرد. در فاصله این سال‌ها خیلی چیزها در سینمای ما عوض شده. فکر می‌کنید امسال هم شاهد چنین اتفاق‌هایی باشیم؟

جشنواره فیلم فجر تابعی از شرایط اجتماعی و فضای کلی سینمای ایران است. جشنواره در ده دوازده سال گذشته هر چه بیشتر به پسند بازار نزدیک شده است. هیجان و جذابیت برای مشتری مهم‌ترین مؤلفه‌های قانون عرضه و تقاضا و بازار است. سینمای ایران هر چقدر بیشتر به سمت مشتری‌مداری رفته و پیرو جامعه سرمایه‌زده‌ها بوده، جشنواره هم، این مسیر را دنبال کرده است. دست‌اندرکاران جشنواره هم دنبال این نیستند که آن جنس سینما مطرح و دیده شود. سال‌هاست که هیجان فروش، هیجان رسانه‌ای و هیجان جشنواره‌ای به یک نقطه مشترک رسیده و برخلاف همه جشنواره‌ها که وظیفه و کارکردشان کشف استعدادهای هنری است، جشنواره ما محملی برای رونمایی از آخرین دستاوردهای بازار عرضه و تقاضا است. در چنین شرایطی امکان حضور فیلم‌های هنری و فرهنگی وجود دارد، اما فرصتی برای درخشش و دیده شدن آنها نیست.

«وارونگی» در بخش نوعی نگاه روی پرده رفت، فکر می‌کنید «من می‌ترسم» برای مخاطب خارجی و جشنواره‌ها جذاب است؟

«من می‌ترسم» بومی‌ترین فیلمی است که ساخته‌ام. نمی‌دانم مخاطب خارجی می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند یا نه. نمی‌دانم مخاطب خارجی چقدر می‌تواند متن و زیر متن این فیلم را متوجه شود. نکته‌ای که مهم است و درباره هر فیلمی صدق می‌کند این است که اصولاً داشتن دایره وسیع‌تری از مخاطب خیلی خوب است و اگر فیلم من نماینده شایسته سینمای ایران در محافل بین‌المللی باشد، باعث افتخار است.

واکنشی که تماشاگران در جشنواره کن درباره «وارونگی» داشتند چقدر با واکنش تماشاگر، منتقد و روزنامه‌نگاران ایرانی تفاوت داشت؟

این اتفاق از همان مرحله انتخاب فیلم برای کن شروع شد. بسیاری از آنها که فیلم را ندیده بودند، با آنهایی که دیده و از کنارش گذشته بودند بعد از پذیرفته شدن فیلم در کن، نسبت به آن دقیق‌تر شدند. این مسیر بعد از جشنواره و در زمان اکران‌های خارجی ادامه یافت. شاید یکی از دلایلی که موقع اکران عمومی بیشتر از زمان جشنواره به «وارونگی» توجه شد، همین بود.

معمولاً هر دوره تعدادی از فیلم‌ها در فضای جشنواره دچار موقعیت‌های عجیبی شدند. به بعضی از فیلم‌ها بیشتر از حد لازم توجه شده و بعضی فیلم‌ها نادیده گرفته شده‌اند.

ما با ماجرای مواجهیم که خارج از جشنواره مدیریت می‌شود. شاهد یک نظام تبلیغاتی و رسانه‌ای و ارتباطات خاص برای بعضی فیلم‌ها هستیم. به نظرم وظیفه منتقد و نویسنده سینمایی این است که دور از این جنجال‌ها، کشف و نظر خود را داشته باشد.

دوست دارید فیلم کدام فیلمساز را در سی و هشتمین جشنواره فجر ببینید؟

دوست دارم فیلم کارگردان‌های جوان و مستقل را ببینم. ■

